

ادامه از صفحه اول

حرکت گردشگری ایران روی ریل جهانی

همچنین تعامل سازنده دبیرکل سازمان جهانی جهانگردی برای پیشبرد اهداف کشورمان در این حوزه، برگزاری رویدادهای نمایشگاهی و موزه‌های متقابل بین ایران و سایر جوامع، به‌ویژه کشورهای اروپایی و موارد بی‌شمار دیگر در این زمینه نشان از دیپلماسی فعال و اثربخش ایران در صنعت گردشگری کشور دارد. این دیپلماسی فعال درعین حال دستاوردهای ارزشمندی برایمان به همراه داشته است که افزایش شمار ثبت جهانی آثار ایران، کسب رتبه‌های بین‌المللی در نمایشگاه‌های موزه‌ای، تسهیل بازگشت آثار تاریخی ایران و پذیرش پنج عضو جدید وابسته ایران در سازمان جهانی گردشگری از جمله آنها است.

شاخص‌های آماری و اعداد و ارقام نیز روایتگر شتاب روزافزون قطار گردشگری ایران است و شمار گردشگران ورودی در رقم چهار میلیون و ۷۰۰ هزار گردشگر در سال ۹۶، به هفت میلیون و ۸۰۰ هزار گردشگر در سال ۹۷ رسیده است؛ به این ترتیب برای نخستین‌بار تراز گردشگری ایران مثبت شده و تلاش بر این است که این تراز مثبت به‌صورت موردی با کشورهای مختلف نیز تحقق پیدا کند؛ برای مثال در رابطه با ترکیه در حال نزدیک‌شدن به تراز مثبت و همچنین با اجرای سیاست لغو روادید برای کشورهای هدف، مانند چین به عنوان یک بازار بزرگ و برخی کشورهای منطقه، شاهد رشد محسوس ورود گردشگر از این کشورها به ایران هستیم. برای نمونه پس از لغو روادید یک‌طرفه با عمان، ۴۰۰ درصد رشد در جذب گردشگر از این کشور به ایران اتفاق افتاد. خروجی این مسیر برای اقتصاد کشور درآمد ارزی ۱۱٫۸ میلیارد دلاری از محل گردشگری ورودی در سال گذشته بوده و برای ادامه این مسیر نیز چشم‌انداز ۳۰ میلیارد دلاری تا ۲۰۲۵ ترسیم شده است. همچنین به محصولات گردشگری تنوع داده شده و رویکرد گردشگری از قالب فرهنگی به سایر بخش‌ها، به‌ویژه گردشگری سلامت و طبیعت‌گردی تنوع یافته است. گردشگران زیارتی ایران نیز علاوه بر زیارت به بخش گردشگری سلامت و تفریحی جذب شده‌اند و بنابراین گردشگری ۳۰۰ تا ۴۰۰ دلاری برای هر گردشگر به هزارو ۴۰۰ تا هزارو ۴۰۰ دلار رسیده است.

شاخص‌ها و آمار یادشده در کنار اقدامات و طرح‌های انجام‌گرفته برای استانداردسازی خدمات گردشگری و بهبود وضعیت نیروی انسانی این‌بخش، همراهی ایران را با شعارهای راهبردی سازمان جهانی گردشگری نشان می‌دهد. تگاهی به شعار امسال سازمان جهانی گردشگری -«گردشگری و اشتغال: آینده‌ای بهتر برای همه»- بر ضرورت و اهمیت این رویکرد صحه می‌گذارد و آموزش، مهارت و اشتغال سه موضوعی است که به‌طورجدی در دستور کار است. از سویی با توجه به رویکرد مثبت سازمان جهانی جهانگردی به تحولات گردشگری ایران، این فرصت می‌تواند حضور و قدرت چانه‌زنی ایران را در این سازمان افزایش دهد و محملی برای طرح ایده‌ها و پیشنهادهای کشورمان باشد.

بی‌تردید ارتقای زیرساخت‌ها، به‌روزرسانی استانداردهای خدمات و برنامه‌ریزی برای تبلیغات مناسب بین‌المللی از ظرفیت‌ها و جاذبه‌های ایران از الزامات گریزناپذیر توسعه صنعت گردشگری در کشورمان و نیازمند همراهی و همگامی سایر دستگاه‌ها است.

با توجه به تغییر ساختار سازمان میراث فرهنگی به وزارتخانه و برنامه‌ها و اقدامات پیش‌بینی‌شده متناسب با ساختار جدید، فقط در سایه اجماع، همدلی و همکاری قوای سه‌گانه و تمام بخش‌های عمومی و خصوصی مرتبط، شاهد تحقق سهم واقعی این صنعت در شکوفایی اقتصاد کشور خواهیم بود.

✽وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی

تحریم‌ها عامل افزایش ریسک مبادلات بین‌المللی

در ایران، صندوق ضمانت صادرات به نمایندگی از دولت وظیفه دارد امنیت صادرات را از طریق پوشش ریسک‌های سیاسی و تجاری تضمین کند. بر این اساس، اگرچه هر نگاه صادراتی باید راهکارهای مدیریت ریسک اعتباری طرف‌های تجاری را مد نظر قرار دهد، اما نباید از مدیریت و پوشش ریسک‌های سیاسی نیز غافل بماند. بنابراین بهترین ابزار برای کاهش این‌گونه ریسک‌ها به‌خصوص در شرایط فعلی و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های ظالمانه بیمه‌کردن مطالبات خارجی نزد صندوق ضمانت صادرات ایران است که هر دو دسته ریسک‌های سیاسی و تجاری را که اولی به خود خریدار و دیگری به کشور خریدار باز می‌گردد، در یک بسته، تحت پوشش قرار می‌دهد.

شرق: شورای‌عالی آمار با انتشار بخشی از احکام دائمی برنامه‌های توسعه، بر سندیت ارائه آمار از سوی مرکز آمار اذعان کرد. این در حالی است که اخیراً ارائه آمار از زبان رئیس کل بانک مرکزی درباره نرخ رشد صنعت، اختلاف آماری دو دستگاه ارائه‌دهنده آمار را دوباره به میان کشیده بود. به‌این‌ترتیب، به گزارش تسنیم، در حالی اعلام آمار رشد از سوی رئیس کل بانک مرکزی بار دیگر موازی‌کاری در انتشار آمار را مطرح کرده که با بررسی مصوبه اخیر شورای‌عالی آمار درمی‌یابیم ابهامی در قانون نیست و بانک مرکزی باید آمار رشد را تولید کند و در اختیار مرکز آمار بگذارد. بر اساس قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه، هم مرکز آمار ایران و هم بانک مرکزی امکان انتشار آمارهای تولیدی خود را پیدا کرده‌اند و تمام ابهامات دقیقاً از این حکم قانونی نشئت گرفته است.

بر اساس ماده ۱۰ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، به منظور یکپارچه‌سازی و ساماندهی و رفع موازی‌کاری در نظام آماری کشور، مرکز آمار ایران مرجع رسمی تهیه، اعلام و انتشار آمارهای رسمی کشور است. همچنین مرکز آمار ایران باید با همکاری دستگاه‌های اجرائی نسبت به تهیه برنامه ملی آمار کشور مبتنی بر فناوری‌های نوین با رعایت استانداردها و ضوابط تولید و انتشار آمارهای رسمی استقرار نظام آمارهای ثبتی، اقدام کند. این برنامه نیز با پیشنهاد مرکز آمار ایران و تصویب شورای‌عالی آمار ایران برای دستگاه اجرائی لازم‌الاجراست، اما در بند پ ماده ۱۰ آمده است دستگاه‌های اجرائی مانند بانک مرکزی مکلف‌اند در حدود وظایف قانونی خود و در چارچوب ضوابط و استانداردهای شورای‌عالی آمار، آمارهای تخصصی حوزه مربوط به خود را تولید و اعلام کنند.همان‌طور که در متن قانون مشخص است بانک مرکزی نیز مجوز انتشار آمارهای مربوط به خود را پیدا کرده. منتها یک شرط نیز در این قانون گنجانده شده است که توجه به آن کره نهایی ابهامات مربوط به قانون احکام دائمی توسعه را برطرف خواهد کرد. از این جهت قانون مذکور ابهام دارد که برای رفع موازی‌کاری، مرکز آمار ایران مرجع رسمی انتشار آمارهای کشور است، اما بانک مرکزی نیز مجوز انتشار آمار را در چارچوب مصوبات شورای‌عالی آمار دارد. قانون قید مصوبات شورای‌عالی آمار را برای انتشار آمارهای بانک مرکزی لحاظ کرده است و بر این اساس با مصوبه جدید شورای عالی آمار بانک مرکزی باید آمارهای تولیدی خود را در اختیار مرکز آمار قرار دهد. در مصوبه اخیر شورای‌عالی آمار که با حضور نماینده بانک مرکزی برگزار شد، آمده است، «یکانه مرجع تهیه، تولید، اعلام و انتشار آمارهای رسمی حساب‌های ملی (رشد اقتصادی) و شاخصه‌ای قیمت (نرخ تورم) طبق قانون، مرکز آمار ایران است و در این راستا بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است اطلاعات محاسبات ملی تولیدی خود را در اختیار مرکز آمار ایران؛ برای بهره‌برداری در تولید و انتشار آمار رسمی حساب‌های ملی کشور، قرار دهد». به‌این‌ترتیب با توجه به مصوبه شورای‌عالی آمار و قانون احکام دائمی توسعه ابهامی برای رفع موازی‌کاری در انتشار آمارهای رسمی باقی نمانده و بانک مرکزی باید آمارهای رشد اقتصادی را تولید کند و در اختیار مرکز آمار ایران قرار دهد.

اقتصاد

بر اساس مصوبه شورای عالی آمار، بانک مرکزی باید آمارهای رشد اقتصادی را تولید کند و در اختیار مرکز آمار ایران قرار دهد

پایان اختلاف دو دستگاه برای انتشار آمار



است که مرکز آمار متولی انتشار آمارهای رسمی کشور باشد، اما منافاتی با این ندارد که بانک مرکزی گزارش ارائه ندهد.این اقتصاددان تصریح می‌کند: به عقیده من، مرکز آمار کار ویژگی‌های بی‌طرفی و استقلال را هم در کنار افزایش سری‌های زمانی ارائه آمار بیفزاید، می‌تواند سندیت آمار در کشور را افزایش دهد. در غیر این صورت، ارائه آمار از سوی یک مرکز، تنها شبهه‌ناکی آماری را افزایش می‌دهد، زیرا تنها ناظر بر انحصار است و خطاها را نیز افزایش می‌دهد. علاوه بر آن، باور افراد را نسبت به آمار خدشه‌دار می‌کند.

مجدید شاکری، کارشناس اقتصادی نیز در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید:

اختلاف آماری بین مرکز آمار و بانک مرکزی از دیرباز محل پرسش بوده است، اما نمی‌توان ادعا کرد که آمارهای ارائه‌شده دچار خلل بوده، زیرا سبدها، نحوه پرسش، جغرافیای پرسش، زمان پرسش و… با یکدیگر متفاوت بوده است.شاکری در ادامه با انتقاد از منع یک‌باره بانک مرکزی از ارائه آمار، می‌افزاید: این موضوع وجود دارد که در بسیاری از قوانین و دعاوی، به‌صورت مستقیم به بانک مرکزی به‌عنوان مرجع اعلام آمار برای تنظیم و… اشاره شده است. وقتی بانک مرکزی ارائه نمی‌دهد، همه این دعاوی دچار مشکل می‌شوند. اگر صبوری بیشتری در حذف بانک مرکزی از ارائه آمار می‌شد، این مشکل نیز اکنون وجود نداشت.

نیازمند پالایش روش آماری هستیم
این کارشناس اقتصادی در ادامه با نقد حذف دستوری بانک مرکزی از اعلام آمار، تصریح می‌کند: فرض وابستگی هر نهادی را می‌توان ادعا کرد، اما راه‌حل بهتر آن بود که این‌ دو نهاد آماری به وحدت رویه در ارائه آمار برسند تا حتی در جمع‌آوری اولیه دیتا نیز با یکدیگر به همکاری برسند که موجب کاهش هزینه‌های تولید آمار شوند. اما این را که این دو نهاد آماری در کنار یکدیگر برای تولید آمار اقدام کنند، درست نمی‌دانم. او با ارائه یک پیشنهاد ادامه داده: به عقیده من نیازمند نوعی پالایش روش آماری هستیم. هرکدام از این دو نهاد، ارائه بخشی از آمار را بر عهده دارند؛ بنابراین اگر چنین تلفیقی شکل بگیرد، مرجع تولید آمار کشور، بسیار دقیق‌تر خواهد بود.

ساختاری که تاکنون وظیفه حل مسائل زاینده‌رود را داشته است، ایراد بنیادی نداشته و اکنون می‌توان به‌سبب ترکیبی از همان نهادهای قبلی حاضر در شوروا و کارگروه‌ها، مسئله زاینده‌رود را حل کرد. اما باید پرسید آیا می‌توان علت ناکامی در حل مسائلی را که در بازه تاریخی نسبتاً طولانی لاینحل مانده‌اند، صرفاً به ناتوانی‌ها و ضعف مسئولان قبلی در سازمان‌های متولی آب کشور نسبت داد؟ شورای عالی آب -که تاکنون چهار جلسه خود را به زاینده‌رود اختصاص داده است- یا کارگروه ساختارگرایی کم‌آبی که متشکل از اعضای دولتی مشابه اعضای پیش‌بینی‌شده در این نظام‌نامه است تاکنون چه دستاوردی در زاینده‌رود داشته‌اند؟ و چه آسیب‌شناسی‌ای از شورای هماهنگی حوضه آبریز که مطابق با بند ۱ مصوبات دهمین جلسه همین شورای عالی آب تشکیل شده بود و اعضای آن نیز کم‌وبیش همین افراد دولتی بودند، صورت گرفته است که اکنون دوباره به سراغ چنین سازوکاری -البته با یک تغییر مهم در اعضا- رفته‌ایم؟ آیا تنها مشکلی که از شورای قبلی احساس می‌شد، حضور نمایندگان کشاورزان استان‌های اصفهان و چهارمحال‌وختیاری بوده است؟ شناختی حتی محدود از حوضه آبریز زاینده‌رود در پنج سال گذشته نشان می‌دهد اگر نظام صنف کشاورزان تا این اندازه در متشکل‌کردن کشاورزان و ایفای نقش نمایندگی آنها در مسیر بهبود وضعیت حوضه آبریز زاینده‌رود ابتکار عمل را به دست نگرفته بود، بهبود حکمرانی و موفقیت‌های سال‌های اخیر که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود، صورت نمی‌گرفت.

• ساماندهی بستر و حریم رودخانه که با عاملیت صنف کشاورزان اجرا شد، سالیان طولانی بی‌قانونی در تعارض به حریم و بستر رودخانه و برداشت‌های غیرمجاز را تا حد خوبی مدیریت کرد؛
• در مواجهه با خشک‌سالی ۹۶-۹۷ با مشارکت صنف کشاورزان راهکار جبران خسارت به ازای نکاشت طرح و اجرا شد -با وجود تمام ضعف‌ها و خلف و خف‌های دولت- و اگر صنف کشاورزان نبود دولت هیچ‌گاه نمی‌توانست تعارضات را کنترل و رضایت نسبی کشاورزان را کسب کند؛
• در سال اخیر با رایزنی‌های صنف کشاورزان آب برای کشت زمستانه و تابستانه ۹۷-۹۸ تأمین و اکنون نیز بیش از ۵۰۰ میلیون مترمکعب آب برای کشت پاییزه و شرب و صنعت ادامه سال ۹۸ ذخیره شده است. از آن مهم‌تر توزیع عادلانه آب نسبت به دوره‌های گذشته در بین بخش‌های مختلف آبخور از رودخانه زاینده‌رود است که تنها با مشارکت صنف کشاورزان امکان‌پذیر شده است؛
• با اطلاع‌رسانی مناسب و ایجاد دغدغه در کشاورزان برای مشارکت در تصمیمات حوضه، طرح‌های غیرقانونی بارگذاری جدید از جمله طرح انتقال آب بن- بروج که وزارت نیرو قصد اجرای آن را داشته است، متوقف شد و مشارکت و احساس مسئولیت کشاورزان در مدیریت مسائل زاینده‌رود به طور چشمگیری افزایش یافته است. البته کاملاً قابل انتظار است که این سطح از نقش‌آفرینی آب‌بران در تصمیمات حوضه که در دوره معاصر حکمرانی آب کشور تجربه مشابهی از آن وجود نداشته است، همراه با اشتباهات و ضعف‌هایی است که به مرور زمان و یادگیری ناشی از افزایش نقش‌آفرینی بهبود می‌یابد.

• در سال اخیر با رایزنی‌های صنف کشاورزان آب برای کشت زمستانه و تابستانه ۹۷-۹۸ تأمین و اکنون نیز بیش از ۵۰۰ میلیون مترمکعب آب برای کشت پاییزه و شرب و صنعت ادامه سال ۹۸ ذخیره شده است. از آن مهم‌تر توزیع عادلانه آب نسبت به دوره‌های گذشته در بین بخش‌های مختلف آبخور از رودخانه زاینده‌رود است که تنها با مشارکت صنف کشاورزان امکان‌پذیر شده است؛
• با اطلاع‌رسانی مناسب و ایجاد دغدغه در کشاورزان برای مشارکت در تصمیمات حوضه، طرح‌های غیرقانونی بارگذاری جدید از جمله طرح انتقال آب بن- بروج که وزارت نیرو قصد اجرای آن را داشته است، متوقف شد و مشارکت و احساس مسئولیت کشاورزان در مدیریت مسائل زاینده‌رود به طور چشمگیری افزایش یافته است. البته کاملاً قابل انتظار است که این سطح از نقش‌آفرینی آب‌بران در تصمیمات حوضه که در دوره معاصر حکمرانی آب کشور تجربه مشابهی از آن وجود نداشته است، همراه با اشتباهات و ضعف‌هایی است که به مرور زمان و یادگیری ناشی از افزایش نقش‌آفرینی بهبود می‌یابد.

رویکرد موجود در این نظام‌نامه نشان می‌دهد از نظر وزارت نیرو

بر اساس مصوبه شورای عالی آمار، بانک مرکزی باید آمارهای رشد اقتصادی را تولید کند و در اختیار مرکز آمار ایران قرار دهد

پایان اختلاف دو دستگاه برای انتشار آمار



اهمیت استقلال مرکز ارائه‌دهنده آمار

وحید شقاقی‌شهری، اقتصاددان، در گفت‌وگو با «شرق» با تبیین اینکه عدم استقلال نهاد ارائه‌دهنده آمار موجب مخدوش‌شدن نگاه کارشناسان نسبت به آمارها می‌شود، می‌گوید: مسئله مهم آن است که نظام آماری ایران همواره وابسته به نهاد دولت و حاکمیت بوده و شاید یکی از ایرادات کار آن بوده که نظام آماری ما آن استقلال آماری را نداشته است. او در ادامه می‌افزاید: همان‌گونه که در مورد بانک مرکزی ادعا می‌کنیم، این نهاد استقلال لازم را ندارد و تحت‌تأثیر سیاست‌های مالی قرار می‌گیرد و نمی‌تواند مقاومت کند، متأسفانه نظام آماری ما آن استقلال کامل را نداشته و همیشه ارائه آمار از سوی این نهادها شبهه‌ناک بوده است. نه‌اینکه آمارها اشتباه بوده، اما همواره این شبهه وجود داشته که سایه دولت و حاکمیت در نحوه و نوع تولید آمار اثر گذاشته است و استقلال دستگاه آماری وجود ندارد. این موضوع هم در مورد مرکز آمار و هم بانک مرکزی وجود داشته است.شقاقی‌شهری با بیان اینکه این دو نهاد آماری هر دو به نحوی وابسته به نهاد دولت و حاکمیت بوده‌اند، ادامه می‌دهد: درخصوص بحث وجود و نبود نهادهای موازی برای آماردهی باید به چند مورد اشاره کرد: نخست آنکه همیشه آمارهای تولیدی بانک مرکزی و مرکز آمار، اختلاف داشته است. اختلاف هم به دلیل نحوه محاسبه، نمونه‌گیری و روش محاسبه‌ای بوده که در متغیرها، نامارکها و شاخص‌ها استفاده شده است.

مرکز آمار سندیت آماری داشته باشد

این اقتصاددان در پاسخ به این پرسش که ارائه آمارهای موازی موجب هدررفت منابع ملی نمی‌شود، می‌گوید: همواره در حوزه محاسبات حساب‌های ملی و هم شاخص‌های قیمتی، شاهد اختلاف بین این دو نهاد بوده‌ایم و هدررفت منابع مطرح بوده است. مرکز آمار متولی همه آمارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است، اما بانک مرکزی نهادی تخصصی است و باید نسبت به آمارهای تخصصی خود اقدام کند، اما نکته آن است که مزیت بانک مرکزی آن بوده که در کنار تولید آمار، نسبت به ارائه گزارش‌های کارشناسی تخصصی اقدام می‌کرد و مرکز آمار به این بخش ورود نمی‌کند. بانک مرکزی تحلیل کارشناسی می‌کند

رویکرد موجود در این نظام‌نامه نشان می‌دهد از نظر وزارت نیرو

رویکرد موجود در این نظام‌نامه نشان می‌دهد از نظر وزارت نیرو

رویکرد موجود در این نظام‌نامه نشان می‌دهد از نظر وزارت نیرو

رویکرد موجود در این نظام‌نامه نشان می‌دهد از نظر وزارت نیرو

رویکرد موجود در این نظام‌نامه نشان می‌دهد از نظر وزارت نیرو

رویکرد موجود در این نظام‌نامه نشان می‌دهد از نظر وزارت نیرو

رویکرد موجود در این نظام‌نامه نشان می‌دهد از نظر وزارت نیرو

رویکرد موجود در این نظام‌نامه نشان می‌دهد از نظر وزارت نیرو

رویکرد موجود در این نظام‌نامه نشان می‌دهد از نظر وزارت نیرو

رویکرد موجود در این نظام‌نامه نشان می‌دهد از نظر وزارت نیرو

رویکرد موجود در این نظام‌نامه نشان می‌دهد از نظر وزارت نیرو

توانمند که می‌تواند مسئله زاینده‌رود را حل کند، بیان کند از حدود شش ده تجربه مدیریت به یک کشور، اکنون بر پایه چه تحلیلی از مسائل زاینده‌رود و چه رویکردی به راهکار برای مسائل، این نظام‌نامه را تهیه کرده است؛ به عبارت دیگر اگر دولت و وزارت نیرو ادعا می‌کنند که ارائه راهکار مسائل و اجرائی‌کردن آن باید در اختیار خودشان باشد، نباید به کلی‌گویی‌هایی در حد ترکیب اعضای ساختار جدید و تقلیل راهکار به تشکیل کارگروه‌ها و کمیته‌ها و ستادهای دولتی -که به‌کرات نمونه‌هایش را در گذشته دیدیم- و اکنون انتظار همه از آنها صرفاً تشکیل جلسه و ارائه مصوبه و تدوین سند و گزارش بدون نمودی در تغییر شرایط است-، بسنده کند.

سؤال دیگر این است که آیا نگارش بیش از ۱۰۰ نظام‌نامه که در سال‌های گذشته در وزارت نیرو مصوب شده، توانسته است الزام اجرائی درون ستاد وزارت نیرو ایجاد کند که اکنون انتظار داریم با نظام‌نامه جدید، شرکت‌های ذیل وزارت نیرو، سایر وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها و ذی‌نفعان حوضه را نیز با آن همراه کنند، به‌سبب یک‌گام فراتر از آن، آیا وزارت نیرو تعهدی به اجرای بی‌کم‌وکاست قوانین، آیین‌نامه‌ها و مصوبات شورای عالی آب و هیئت‌وزیران داشته که درباره آب بوده‌اند و شائبت حقوقی بالاتری نسبت به نظام‌نامه مصوب وزارت نیرو داشته است که اکنون قرار است این نظام‌نامه مسئولانمان را حل کند؟

ساختار برنامهریزی احیای زاینده‌رود

این نظام‌نامه به غیر از بخش ابتدایی که در ارتباط با چشم‌انداز، اصول، اهداف و… صحبت می‌کند، حاوی معرفی ساختار و تعریف نقش‌های نهادهای عمداً رسمی و دولتی است. محوریت تصمیم‌گیری درباره احیای زاینده‌رود بر عهده کارگروه احیای زاینده‌رود قرار گرفته است و کمیته‌هایی تخصصی با مشارکت ذی‌نفعان محلی و غیردولتی نهایتاً نقش مسئورتی خواهند داشت. لیست اعضای کارگروه شامل نمایندگان وزارت نیرو، چهار کشاورزی محیط زیست، صنعت، معدن و تجارت، کشور، سازمان برنامه و بودجه، استانداران، سازمان هواشناسی و از بخشی که با اعضاء می‌توان آن را غیردولتی نامید، دو نفر صاحب‌نظر دانشگاهی -با انتخاب معاون اول ریاست‌جمهوری یا وزیر نیرو- و نماینده اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا این نقش‌ها و مسئولیت‌ها تاکنون وجود نداشته است یا مسئولان این نهادها با مسئولیت‌هایشان آشنا نبوده‌اند که اکنون دوباره نقش‌ها تعریف شده‌اند؟ آیا فرایند رسمی و اداری برای حل مسئله زاینده‌رود تاکنون دستاوردی داشته است که دوباره به سراغ این روش رفته‌ایم؟ ترکیب اعضای این کارگروه نشان می‌دهد وزارت نیرو نقش دانا و توانای کل در حل مسائل آب و وزارت جهاد کشاورزی این نقش را در مدیریت مسائل کشاورزی دارد و سایر سازمان‌ها نیز متناسب با وظایف سازمانی‌شان متولی ماموریت‌های بخشی یا تأمین منابع مورد نیاز و هماهنگ‌سازی مجریان در پیشبرد مصوبات هستند و از آب‌بران و سایر جامعه ساکن حوضه که مالکان اصلی زاینده‌رود هستند و اصلی‌ترین نقش را در اجرای تصمیمات خواهند داشت و از احیا یا خشکی زاینده‌رود منتفع یا متضرر اصلی خواهند بود، هیچ ردپایی در تصمیم‌گیری‌ها دیده نمی‌شود.

رویکرد موجود در این نظام‌نامه نشان می‌دهد از نظر وزارت نیرو

دهک

آیا منزلت یارانه‌بگیران در خطر است؟

سعید هر اسانی

• با آغاز اجرای تکلیف دولت برای قطع یارانه پردرآمدترین سه دهک جامعه و حذف ۷۰۰ هزار نفر در انتهای شهریور موضوع یارانه داغ شده است. یارانه بردگان واژه سوسپید و به معنای از روی یاری کاری‌کردن است. همان‌طور که از معنای این واژه برمی‌آید هر نوع پرداخت و تخصیص نقدی یا غیرنقدی دولت به افراد، شرکت‌ها و… برای یاری‌رسانی به آنان در حوزه‌ای خاص را یارانه می‌گویند.بررسی تطبیقی کشورهای مختلف نشان می‌دهد انواع مختلفی از یارانه در سراسر دنیا وجود دارد؛ یارانه هزینه زندگی کودک، تحصیل، مواد غذایی، حمل‌ونقل عمومی، زنان سرپرست خانوار، مسکن و… از جمله این موارد هستند. نکته قابل تأمل درباره یارانه‌ها آن است که هیچ کدام از آنها در هیچ‌جای جهان به کل جامعه تعلق نمی‌گیرد. به عبارت دیگر بودجه‌ها برای یارانه‌سازن به موضوع و افرادی ویژه تخصیص داده می‌شود. برای مثال یارانه تأمین زندگی کودکان تنها به خانواده‌هایی اعطا می‌شود که فرزندان‌ی شش یا ۱۰ ساله داشته باشند، یارانه زنان سرپرست خانوار به کسانی اعطا می‌شود که سرپرست خانوار باشند، این موضوع درباره همه انواع یارانه صدق می‌کند.تفاوت اعطای یارانه در کشورها و موضوعات مختلف در آن است که یارانه به کل جامعه هدف (که محدود است) پرداخت شود یا به کسانی که بر اساس آزمون وسیع توان مالی یابینی دارند تعلق گیرد. برای مثال تمام کسانی که فرزند دارند یارانه دریافت کنند، یا تنها کسانی که نیازمند هستند، مستحق دریافت یارانه باشند. بنابراین بدیهی است که اعطای یارانه به کل جامعه بی‌معنی است. اگرچه آزمون وسیع مزایای فراوانی دارد که بر هیچ کس پوشیده نیست (همچون تخصیص منابع بیشتر به نیازمندان) با این حال جناح‌های سیاسی در کشورهای مختلف معمولاً معایبی برای آن برمی‌شمارند. از جمله آنکه آزمون وسیع منزلت اجتماعی دریافت‌کنندگان یارانه را تحت تأثیر قرار داده و آنان را وصله‌ای اضافه بر جامعه تلقی می‌کند.حال که دولت تکلیف قانونی خود برای قطع یارانه افراد برخوردار را آغاز کرده است، برخی افراد استدلال فوق را مبنای نقد خود قرار داده و حذف یارانه سه دهک بالایی جامعه را مایه وهن سایر دریافت‌کنندگان یارانه می‌دانند. اما آیا واقعاً این استدلال صحیح است؟ جدای از پاسخ به این سؤال که آزمون وسیع باعث سرخوردگی یارانه‌بگیران می‌شود یا خیر، واقعیت آن است که منتقدان این موضوع یک اختلاف اساسی میان آزمون وسیع و غربالگری را فراموش می‌کنند.آزمون وسیع اقدام فعالانه متقاضی برای اثبات نیازمندی خود و صلاحیت دریافت کمک مالیی در موضوعی خاص یا به طور کلی امور زندگی است. این آزمون در سازمان‌های حمایتی همچون کمیته امداد و بهزیستی انجام می‌شود. این سازمان‌ها برای تأیید صلاحیت متقاضی برای دریافت کمک اقداماتی همچون بررسی منزل مسکونی متقاضی، تحقیقات محلی و… را انجام می‌دهند. این در حالی است که در فرایند قطع یارانه افراد برخوردار، دولت نقش فعالانه داشته و شهروندان اقدام خاصی انجام نمی‌دهند.

نکته مهم دیگر آن است که در فرایند آزمون استطاعت افراد محدودی از جامعه به عنوان نیازمند دریافت کمک مالی از طرف دولت معرفی می‌شوند. همین موضوع باعث می‌شود این افراد برچسب نیازمندبودن را دریافت کنند، اتفاقی که درباره شهروندانی که عضو سازمان‌های حمایتی همچون کمیته امداد هستند نیز رخ می‌دهد. اما در فرایند غربالگری دولت برای حذف سه دهک، موضوع برعکس است؛ یعنی بخش محدودی از جامعه حذف شده و همچنان بخشی از درصد جامعه یارانه نقدی دریافت می‌کنند. ایس موضوع زمانی پررنگ‌تر می‌شود که مشاهده می‌کنیم رویه دولت تاکنون حذف یارانه تعداد بسیار کمتری از خانوارهای متعلق به سه دهک بالای درآمدی است.

به عبارت ساده‌تر اقدام دولت در قطع یارانه نقدی سه دهک بالایی جامعه به معنای باقی‌گذاشتن نیازمندان در لیست یارانه‌بگیران نیست، بلکه تلاش برای کنارنهادن کسانی است که بیش از سایرین از یارانه‌های دولتی استفاده کرده‌اند. آنگنان که بسیاری از متخصصان نیز اشاره می‌کنند دولت مبالغ هنگفتی را در قالب یارانه پنهان به طور غیرمستقیم به اقشار و گروه‌ها اختصاص داده است که دهک‌های بالای درآمدی به دلیل امکان استفاده بیشتران از محصولات انرژی‌بر و… بیشترین سهم از این نوع یارانه را می‌برند.

به عبارت دیگر قطع یارانه نقدی سه دهک بالایی از دریافت یارانه نقدی به معنی نابرابری منابع است و کارکردی مشابه مالیات دارد؛ یعنی از طریق حذف یارانه نقدی، بخشی از تمرکز ثروت در دهک‌های بالایی جامعه به دهک‌های پایینی سرریز می‌شود. این موضوع در عنوان اقدام دولت نیز نمایان است. قطع یارانه نقدی سه دهک بالایی جامعه به معنی انتخاب افراد برخوردار است، نه انتخاب نیازمندان به یارانه! جانب آنکه بر اساس نظر کارشناسان یافتن نیازمندان نسبت به ثروتمندان کاری بسیار آسان‌تر است. بنابراین یکی از دلایل پذیرش دشواری تعیین سه دهک بالایی از طرف دولت در کنار سایر دلایل می‌تواند احترام به عزت نفس و منزلت اجتماعی افراد باشد.

✽**کارشناس مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه**